

## تئاتر جشنواره‌ای؛ تئاتر بی مخاطب...

می‌شود که از عنصر ارتباط در آن به نحو مطلوب استفاده شود. نکته دیگر این که اگر صاحب آثار دراماتیک، بویژه نمایش در ایجاد ارتباط سالم و گیرا با تماشاگر موفق شوند بخودی خود مشکل گیشه و احیاناً سود و زیانهای اقتصادی نیز منتفی خواهد شد. کلام آخر اینکه همین ارتباط سالم که از نگاه دقیق جامعه‌شناسانه هنرمند ناشی می‌شود عاملی مهم و مؤثر خواهد شد برای افزایش تماشاگران و این افزایش نیز یعنی تجدید حیات این هنر ارزشمند، و افزایش سالنهای نمایش در جای جای کشور. نهایتاً چاره کار انتقال اهرمهای اجرایی از تئاتر جشنواره‌ای، به تئاتر توده‌ایست. پس بیایید با دستمایه قرار دادن آن واقعیات ملموسی که باورهای مردمان این مرز و بوم با آن گره خورده است تماشاگران (این پستوانه عظیم و تمام ناشدنی) را دوباره با هنر نمایش آشتی دهیم. باید مردم، فرهنگ و مذهبمان را اصولی‌تر از گذشته بشناسیم و مورد ارزیابی قرار دهیم، چراکه می‌خواهیم تئاتر یا مخاطب داشته باشیم.

نمایش‌های به اجرا درآمده در تهران به دلیل توسل به روشهایی مانند استفاده از چهره‌های مطرح تلویزیون و سینما و موقعیت‌شناسی از برنامه‌های تلویزیونی که توسط همین چهره‌ها در همان مقطع زمانی به اجراء درآمده بود، گیشه‌ها را پر رونق کرد؛ اما همین اوضاع هم امیدوارکننده است و این باور را بوجود می‌آورد که مشکل تئاتر ما نبود تماشاگر نیست، مشکل ما سیاستگذاری‌های متولیان تئاتر و مشکلات مالی انجمنهای نمایش و فصلی شدن این مقوله فرهنگی است. گرچه گونه‌هایی از تئاتر در ایران (تئاتری که از گذشته به لاله‌زاری معروف شده) دارای تماشاگران بیشتری است، اما اگر حساب تئاتر جشنواره‌ای را جدا کنیم خواهیم دید که مردم تا چه اندازه با تئاتر بیگانه‌اند. کاش می‌شد شیوه اجرای جشنواره‌ها را به گونه‌ای تغییر داد که حضور عده بیشتری از تماشاگران را موجب شود.

همه آنانی که با القای تئاتر آشنایند می‌دانند که هنر نمایش بدون تماشاگر خواهد مرد و کثرت مخاطب هم زمانی برای یک اثر نمایشی فراهم

گرچه تئاتر مدرن بی‌وقفه دچار تحول می‌شود و به انحاء مختلف از دیگر هنرها سود می‌جوید، ولی متأسفانه روز به روز مهم‌ترین سرمایه خود، یعنی تماشاگران مشتاق و اندیشمند است را از دست می‌دهد. تئاتر با آن پیشینه تاریخی طولانی و فراز و نشیب‌هایی که در مسیر تکامل و رسیدن به جایگاه امروز پشت سر گذاشته، در هیچ دوره‌ای تا این اندازه مورد بی‌مهری تماشاگران نبوده است. این بی‌مهری تا اندازه‌ای ناشی از نوع نگرش متولیان به این هنر بالنده و پویا است، و بخشی از آن هم نتیجه بی‌توجهی برخی از هنرمندان به کسب دانش تئاتری روز و مطالعات جنبی است. ادامه این وضعیت در دراز مدت تئاتر مملکت ما را به تعطیلی می‌کشاند و همین معدود سالنهای نمایشی را هم که در شهرهای بزرگ وجود دارد، در آینده‌ای نه چندان دور به پاساژهای تجاری تبدیل خواهد کرد. سیاستهای مرکز هنرهای نمایشی موجب شد در یکی دو سال اخیر با اجرای چند تئاتر موفق در تهران (علیرغم کاستیهای موجود) مسکنی بر پیکر بیمار تئاتر این مملکت تزریق شود. اگر چه

شیرت ماشین‌سازی  
خاورپرس  
شیر (بهره‌ای خاص)

دفتر مرکزی: تهران، خیابان دماوند، شماره ۹۲۵  
تلفن: ۷۴۱۲۴۴۷-۷۴۱۰۵۹-۷۴۱۰۴ فاکس: ۷۴۱۲۱۰۴  
کارخانه: کیلومتر ۲۰ جاده خاوران، تلفن: ۲۲۰۴۳-۰۲۹۱۳۰